



فهرست مطالب

- ۲..... پیام نوروزی حزب کار ایران (توفان).
- ۳..... پیام تبریک و همبستگی سندیکاهای کارگری سوئد به کارگران ایران به مناسبت فرا رسیدن سال نو!
- ۴..... «شورای عالی کار» نهادی است ضد زحمتکشان ایران.....
- ۵..... اعتصاب متحد و یکپارچه کارگران هفت تبه ادامه دارد.....
- ۶..... ما به دستمزد پایین تر از خط فقر برای کارگران نه می گوئیم.....
- ۷..... دزدی و فساد و تشدید تضادهای باندهای مافیایی.....
- ۹..... حقوق بشر خواهی اتحادیه اروپا.....
- ۱۰..... بازداشت و ضرب و شتم محمد حبیبی را قویاً محکوم می کنیم.....
- ۱۱..... تظاهرات با شکوه چند صد هزار نفری دانش آموزان و جوانان در آمریکا.....
- ۱۳..... نئولیبرال‌های وطنی و غربی، مسئول مستقیم خشک‌سالی در ایران.....
- ۱۵..... گشت و گذاری در فیسبوک.....
- ۱۵..... پاسخ به یک پرسش.....
- ۱۸..... پرسش و پاسخ در شبکه تلگرام.....
- ۱۹..... سفری به سرزمین انقلاب اکتبر.....



پیام نوروزی حزب کار ایران (توفان)

نوروزتان پیروز، هر روزتان نوروز

در آستانه سال نو، فرصت را مغتنم می‌شماریم عید نوروز، این جشن ملی باستانی همیشه بهار را به همه کارگران و زحمتکشان، به همه فرهنگیان، به همه دانشجویان، به همه خلق‌های ایران، به همه زنان مبارز ایران، به همه خانواده‌های جان‌باختگان سیاسی، به همه کسانی که در راه آزادی و سعادت ستم‌دیدگان می‌رزمند و به همه زندانیان سیاسی که در چنگال دژخیمان حاکم به عنوان گروگان گرفتارند، شادباش می‌گوئیم و برایشان در پیکار علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی پیروزی و سربلندی آرزومندیم.

هموطنان عزیز، مردم تحت ستم ایران!

امسال نیز مانند سال‌های پیش، سفره‌تان از برکت وجود رژیم دزد و فاسد جمهوری اسلامی خالی‌تر از گذشته است و نوروزتان همانند هر روزتان شده است. فقر و گرانی و ناامنی اقتصادی بی‌داد می‌کند و حلقوم شما را می‌فشارد. سالی که گذشت بازهم متأسفانه سال پیش‌روی در فقر و عمیق‌تر شدن شکاف طبقاتی بود و این روند با توجه به سیاست‌های ارتجاعی و سرمایه‌دارانه و نئولیبرالی حسن روحانی ادامه خواهد داشت. چنین سیاست خانمان‌براندازی به معنی تداوم و تعمیق فقر و فلاکت و اعتیاد و کارتن‌خوابی و گورخوابی،

کلیه‌فروشی و تن‌فروشی است و جز این نیز نمی‌باشد. سیاست‌های نئولیبرالی همراه با سرکوب اعتراضات کارگری و تشکل‌های نوپای سندیکایی، بازداشت‌های خودسرانه و وحشیانه فعالین کارگری، معلمان و دانشجویان و زنان در خدمت کلان سرمایه‌داران داخلی و بین‌المللی است و باید درهم شکسته شود. خیزش خیره‌کننده مردم در دیماه، که به مدت ده روز ادامه داشت، جرقه‌ای بود که به سرعت شعله‌ور شد و در سراسر ایران و در بیش از صد شهر بزرگ و کوچک و با شعارهای کوبنده ارکان جمهوری اسلامی را به لرزه درآورد. این خیزش، خیزش خرد در مقابل جهالت، خیزشی عادلانه علیه بیکاری و گرانی و فساد اقتصادی و سرکوب‌های سیاسی بود. فریاد خشم فروخته میلیون‌ها مردمی بود که صبرشان به سرآمده، کارد به استخوان‌شان رسیده است و رژیم حامی سرمایه‌دار و شیاد اسلامی را به چالش گرفته‌اند.

در آستانه عید نوروز امسال نیز، چون سال گذشته، مردم میهن ما یا درغم از دست رفتگان سوگواری یا در اثر ویرانگری اقتصادی در فلاکت و بی‌خبری و انتظار به سر می‌برند. نه از پیشرفت خبری هست و نه از آزادی و ترقی و تعالی نشانی.

مردم شریف ایران!

سال ۱۳۹۶ را باید ادامه سال گذشته، سال دزدی‌های کلان، سال حقوق‌های نجومی، سال سراسیمه‌گی سران رژیم و تشدید بحران اقتصادی و رشد روزافزون اعتراضات کارگری نامید. اختلاس‌های چند هزار میلیاردی و برملا شدن دزدی‌های درونی فقط گوشه‌ای از پرونده‌های فساد و دزدی

پیام تبریک و همبستگی سندیکاهای کارگری سوئد به کارگران ایران به مناسبت فرا رسیدن سال نو!

رفقا! در سال جدید همبستگی بین‌المللی با مبارزات شما گسترش خواهد یافت!

سال ۹۶ شمسی سالی پر از فراز و نشیب برای کارگران و فعالین کارگری ایران بود. در این سال ما شاهد مبارزات و اعتراضات وسیع، نه فقط در چهارچوب کارخانه، بلکه در جلوی نهادهای دولتی و خیابان‌های شهرهای متعددی بودیم. محور خواست‌های کارگران ایران در این سال اعتراض به سطح معیشت بسیار نازل و بهبود شرایط کار و زندگی کارگران بود.

مبارزه خستگی‌ناپذیر کارگران از جمله مبارزات جانانه کارگران فولاد اهواز، نیشکر هفت تپه، معلمان، بازنشستگان، کارگران شرکت اتوبوسرانی (واحد) و صدها شرکت و کارخانه دیگر بخشی از این مبارزات در سال گذشته بوده است.

در این سال دولت و مقامات قضایی و امنیتی نه تنها از حقوق بدیهی و پایمال شده کارگران دفاع نکردند، نه تنها با کارفرمایان متخلف و قانون‌شکن برخورد قضایی و امنیتی نکردند، بلکه برعکس با تمام قوا کارگران معترض را سرکوب و بسیاری از فعالین کارگری را تهدید، دستگیر و زندانی کردند. ما به شهامت، پایداری و استقامت شما که در این مبارزات متحمل هزینه‌های زیادی شده اید، درود می‌فرستیم. در سال گذشته ما به کرات صدای اعتراض و مبارزه شما را در سطح بین‌المللی منعکس کردیم و در موارد متعددی موفق به جلب همبستگی بین‌المللی در سطح گسترده‌ای شدیم. همچنین به کمک فعالین کارگری دیگر از جمله در فرانسه، نروژ، ایتالیا ... موفق شدیم هماهنگی منسجمی میان اتحادیه‌های کارگری مختلف در جلب همبستگی بین‌المللی از مبارزات کارگران ایران بوجود بیاوریم.

رفقا! شایستگی شما در جلب حمایت بین‌المللی بسیار بیشتر از این است!

ضمن شادباش نوروز و آرزوی سالی پُربار یک بار دیگر با شما پیمان می‌بندیم که با تمام قوا در جهت جلب و گسترش همبستگی بین‌المللی با کارگران ایران از هیچ کوششی دریغ نوزیم! ما در این سال تمام کوشش خود را جهت آزادی بی‌قید و شرط کلیه کارگران زندانی به کار خواهیم بست.

سازمان سراسری کارگران سوئد (ال.او)
اتحادیه کارگران حمل و نقل سوئد
اتحادیه فلز سوئد
اتحادیه کمونال سوئد

پلاتفرم سندیکاهای کارگری سوئد - ایران
۱۳ مارس ۲۰۱۸

دستگاه حاکمه است و این امر یک بار دیگر نشان می‌دهد که رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی مظهر دزدی و فساد و ارتشاء است و مردم ما هیچ امید به بهبودی وضعیت خود در چهارچوب سیاست‌های نئولیبرالی و باندهای مافیائی حاکم ندارد و راهی جز تشدید مبارزه علیه مستبدان ضدکارگر و ضدبشر حاکم و هوشیاری و پیکار متحد علیه امپریالیست‌ها و نوکران استعمار پیش‌روی خود نمی‌بیند. راه نجات مردم ایران، وحدت و تشکیلات، راه برانداختن قهرآمیز رژیم جمهوری اسلامی به دست توانای خویش است. این چهلمین نوروزی است که روحانیت مفت‌خور بر مردم ایران تباه می‌گرداند. به امید سالی مملو از یگانگی و پیکاری سراسری و متحد علیه تاریک‌اندیشان حاکم. برایتان در سال جدید پیروزی و شادی و سربلندی آرزو می‌کنیم. به امید فراز آمدن نوروز مردم ایران •

نوروزتان پیروز!

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به دست مردم ایران!

زنده باد سوسیالیسم، این پرچم نجات بشریت!

دست امپریالیست‌ها از ایران و منطقه کوتاه باد!

حزب کار ایران (توفان)

اسفند ماه ۱۳۹۶



از انتشارات حزب کار ایران (توفان)

جهت تهیه این اثر با ما تماس حاصل فرمائید



«شورای عالی کار» نهادی است ضد زحمتکشان ایران

سخنی در مورد حداقل دستمزد کارگران

برخلاف کنوانسیون ۸۷ و ۹۸ «سازمان بین‌المللی کار» که تعیین دستمزد بر اساس چانه زنی بین نمایندگان کارفرما و نمایندگان کارگران صورت می‌گیرد، در ایران در نشست شورای عالی کار، این دولت است که دست بالا را دارد و همواره سود بیشتر کارفرمایان مد نظر اوست و نه هزینه معیشت زحمتکشان. شورای عالی کار پس از هفته‌ها «زورآزمایی» جهت تعیین حداقل دستمزد کارگران در سال آینده، با حقه‌بازی تمام و به خاطر ترس از تجمعات و اعتراضات کارگران برعلیه چنین توافقاتی تنها ساعاتی قبل از فرارسیدن عید نوروز تصمیمات این شورا را به اطلاع مردم رساند. توافق برسر افزایش ۱۹/۸ درصدی دستمزد کارگران برای سال جاری را شاید بتوان نتیجه نبرد زحمتکشان در تظاهرات، اعتصابات و اجتماعات کارگران در سال قبل و در برابر بی‌عدالتی‌های اقتصادی قلمداد کرد، اما افزایش دستمزد فوق فاصله دستمزد و هزینه معیشت را بدون تردید کم نمی‌کند.

علی ربیعی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، برای اولین بار از فاصله عظیم دستمزد و هزینه معیشت سخن می‌راند. او خود معتقد است که این افزایش دستمزد به هیچ‌وجه «فاصله دستمزد و هزینه معیشت را پُر نمی‌کند»... «اما نمی‌توان عقب‌ماندگی دستمزد سال‌های گذشته را یکباره جبران کرد». به عبارتی سال‌های گذشته دستمزد مطابق با تورم افزایش نیافته است. بیان چنین امری از زبان وزیر کار، خود نشان می‌دهد که اعتصابات و تظاهرات سال گذشته زحمتکشان جامعه تأثیر خود را به افزایش ۱۹/۸ درصدی دستمزد نسبت به سال ۹۶ که تنها ۹ درصد بود، گذاشته است. و این امیدی است جهت ادامه مبارزات آتی سندیکاها و اتحادیه‌های موجود. حال که دولت خود قبول نموده است که افزایش دستمزدها طی چهل سال گذشته عادلانه نبوده است، چرا کارگران باید به وضع اسفبار کنونی همچنان رضایت دهند؟

سرمایه‌داران از سر خیر سیاست‌های نئولیبرالی دولت‌ها طی سال‌های گذشته به مقدار کافی ثروت اندوخته‌اند و قادر هستند این فاصله را طی یک سال نیز پُر نمایند. اما سیاست‌های نئولیبرالی نه به دولت اجازه

می‌دهد و نه مایل‌اند که از بخشی از استشار زحمتکشان جامعه بگذرند. با در نظر گرفتن افزایش دستمزد، حداقل حقوق ماهانه یک کارگر برابر است با ۱۱۱۴۰۰۰ تومان و با در نظر گرفتن ۴۰۰۰۰ تومان حق مسکن و ۱۱۰۰۰۰ تومان بن کارگری در نتیجه حقوق ماهانه ۱۲۶۴۰۰۰ تومان در نظر گرفته شده است. بنابر اقتصاددانان درون مرز خط فقر یک خانوار ۳/۳ نفری در سال ۹۶ برابر با ۳۴۳۰۰۰۰ تومان برآورد شده بود. با این حساب حداقل حقوق سال ۹۷ چیزی است نزدیک به سه برابر زیر خط فقر سال قبل است. طبق جدول قیمت خوراکی از طرف بانک مرکزی در تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۵، اگر یک خانوار ۳/۳ نفره هر روز تنها نان و پنیر و در برخی وعده‌ها عدس و وعده‌هایی نیز تخم مرغ صرف نماید (گوشت قرمز و مرغ بماند برای سرمایه‌داران و آقازاده‌های فربه، دزد و بی‌لیاقت) و با در نظر گرفتن هزینه آب، برق، گاز و هزینه‌های درمان و ایاب و ذهاب، دیگر چیزی برای امرار و معاش و کرایه خانه نمی‌ماند.

بیهوده هم نیست که هر روز هم بر تعداد کودکان کار و هم بر تعداد کارتن‌خواب‌ها افزوده می‌گردد. شما این را به عدم امنیت شغلی و عدم اشتغال، به عدم پرداخت همین دستمزدها به‌افزاید، تا اوج فقر اقتصادی زحمتکشان را دریابید. و این حال و هوای کارگران کشور است که بر روی دریای نفت و گاز قرار گرفته است و حکام دزد و غارتگر با فساد، که سرتاسر تمام نهادهای دولتی و غیر دولتی را دربر گرفته است، هر روز فربه‌تر از قبل شده و کشور را به نابودی کامل سوق می‌دهند. افزایش دستمزد سال ۹۷ شاید بتواند قدرت خرید از دست رفته کارگران در سال قبل را جبران کند و نه بیشتر. هشت سندیکا و اتحادیه کارگران و کارمندان به درستی و به حق برای حداقل دستمزد ۵۰۰۰۰۰۰ تومان پا به میدان نبرد نهاده‌اند و این حداقل دستمزد به حق در حال فراگیر شدن است. دولت اگر به این خواست به حق کارگران تن می‌داد، می‌توانست در این شرایط حساس کنونی که نارضایتی اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی سرتاسر جامعه را فرا گرفته است، از نارضایتی بخش اقتصادی زحمتکشان جامعه به‌کاهد. اما چنانکه گفته شد، دولت پای‌بند به خواست و رضایت مردم نیست، دربند سیاست‌های نئولیبرالیسم است.

دولتی که به این خواست زحمتکشان جواب مثبت نه‌دهد، سال آینده در برابر اعتصابات و تظاهرات کارگران و تمامی زحمتکشان جامعه قرار خواهد گرفت. این را باید در نظر گرفت که نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی از آغاز تاکنون هیچگاه تن به تشکیل سندیکاها و اتحادیه‌های بزرگ و مستقل سراسری نداده است و بنگاه‌های بزرگ صنعتی چون خودروسازی و برخی بنگاه‌های فولاد و صنعت نفت که نزدیک به ۷۵ درصد کل کارگران، چیزی حدود ۱۰ میلیون کارگر فاقد سندیکا و اتحادیه هستند. و این خود نشان‌دهنده ترس و وحشتی است که رژیم سرمایه‌داری ایران از تشکلات بزرگ و قوی کارگری دارد.

سالی که در پیش داریم، بدون تردید سال پرتلاطمی خواهد بود. شرط پیروزی جنبش کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه در گرو اتحاد و همبستگی تمام زحمتکشان کشورمان است.

در این نبرد سخت طبقاتی، حزب کار ایران (توفان) به عنوان حزب طراز نوین طبقه کارگر، پشتیبان تمام زحمتکشان ایران خواهد بود.

به حزب طبقه کارگر ایران
پیوندید

امنیت برای ادامه کار شرکت کلیه واحدها تعطیل اعلام می‌گردد». این برای نخستین بار نیست که فعالیت شرکت هفت تپه متوقف می‌شود. اسفند ماه سال ۹۶ نیز بدنبال اعتراضات کارگری در شرکت تولید شکر هفت تپه استان خوزستان، فعالیت این شرکت متوقف شده بود که با توافق میان کارگران و کارفرما، پس از سه روز از سر گرفته شد. کارگران شرکت نیشکر هفت تپه از زمان خصوصی‌سازی این مجتمع بارها دست به اعتصاب و تجمع زده‌اند و خواستار پرداخت مطالبات خود شده‌اند.

کارگران هفت تپه در دومین روز اعتصاب سراسری خود به کوی ایلام، محله مسکونی روساء و مهندسین شرکت رفته و با حراست و باریگاد روسای شرکت درگیر شدند، که موجب تیراندازی شد.

آنچه کارگران نیشکر هفت تپه می‌طلبند حقوق معوقه و عیدی و پاداشی است، که پرداخت نشده است. کارگران با خصوصی‌سازی شرکت و سیاست‌های خانمان‌برانداز نئولیبرالی مخالف‌اند و خواهان به رسمیت‌شناختن اتحادیه صنفی خود هستند.

پیکار قهرمانانه کارگران هفت تپه بار دیگر نشان می‌دهد، که مردم ایران و در رأس آن طبقه کارگر، با همه ددمنشی‌های نیروهای سرکوب‌گر رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی مرعوب شدنی نیست. کارگران نیشکر هفت تپه می‌رزمند و دلیرانه می‌رزمند. بویژه در شرایطی که هیولای بیکاری و گرانی، حبس و شکنجه و گرسنه‌ماندن زن و فرزند در انتظار اعتصاب‌گران است، اقدام به اعتصاب در چنین شرایطی، عمل قهرمانانه و قابل تحسین است. نتیجه اقتصادی اعتصاب کارگران هفت تپه هرچه باشد، از لحاظ سیاسی برای رشد آگاهی و تشکل کارگران- نه فقط کارگران- بلکه همه مردم ایران نتایج عظیم به بار خواهد آورد. همانطور که مارکس می‌گوید «پرولتاریا بیش از نان به همت خویش، به اعتماد بر نفس خویش، به سربلندی و استقلال فکری خویش، نیازمند است» و این خصوصیات، طبقه کارگر را به مبارزات قاطع‌تر و پیروزی‌های عظیم‌تر رهنمون خواهد شد. رشد جنبش کارگری که ما در طول سال‌های اخیر شاهد آنیم، نیروی بی‌سابقه‌ای به مبارزات مردم بر ضد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی خواهد بخشید و رهبری ظفربخش آنها را تلمین خواهد کرد. حزب ما به کارگران هفت تپه درود می‌فرستد و از مبارزات‌شان عمیقاً پشتیبانی می‌کند و همه دانشجویان، تشکلات کارگری، روشنفکران و اقشار تحت ستم جامعه را به حمایت و همبستگی با کارگران نیشکر هفت تپه فرامی‌خواند.

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است. تنها از این طریق است که سرانجام می‌توان بر استثمارگران غلبه کرد. •



اعتصاب متحد و یکپارچه کارگران هفت تپه ادامه دارد

روز ۷ فروردین ۹۷ کارگران بخش‌های کشاورزی هفت تپه در اعتراض به عدم پرداخت حقوق بهمن و اسفند ۹۶ دست به راهپیمایی و تظاهرات اعتراضی زدند. کارگران شعار می‌دادند: «کارگر هفت تپه، گرسنه‌ایم گرسنه». طبق گزارش «اتحادیه آزاد کارگران» «پس از دقایقی تمام کارگران قسمت‌های مختلف شرکت نیشکر هفت تپه، اعم از کارخانه، خوراک دام و تجهیزات، مهندسی، فضای سبز و حتی ترابری و حراست به کارگران کشاورزی پیوستند و در محوطه شرکت جمع شدند و پس از بی‌پاسخی مسئولین شرکت، با سر دادن شعارهایی همچون «نه رستمی، نه بیگی، شرکت بشه دولتی» و «کارگر هفت تپه، گرسنه است، گرسنه است» دست به راهپیمایی در بازارچه محله هفت تپه زدند. کارگران خشمگین در مسیر راهپیمایی بنرهای تبریک سال نو را، که توسط کارفرمای شرکت در منطقه هفت تپه نصب شده بود، پاره کردند و آتش زدند و در جلوی درب ورودی اصلی شرکت با آقای ارنه‌ای، یکی از پیمانکاران محصول‌گرا درگیر شدند و با وساطت نیروی انتظامی از مهلکه جان سالم بدر برد».

به گزارش ایلنا، امید اسدی‌بیک (مدیرعامل مجتمع نیشکر هفت تپه) با انتشار بخشنامه‌ای اداری اعلام کرد: «با توجه به اتفاقات پیش آمده در روزهای اخیر توسط افراد غیردلسوز و بی‌مسئولیت، که هیچگونه توجهی به قوانین جاری شرکت نداشته‌اند، بنا به مسئولیت اینجانب برای جلوگیری از صدمات احتمالی غیرقابل جبران، این شرکت تا اطلاع ثانوی جهت تعیین تکلیف و ایجاد

ما به دستمزد پایین‌تر از خط فقر برای کارگران نه می‌گوئیم

اعلامیه مشترک ۵۳ تشکل کارگری

۵۳ انجمن صنفی کارگری در سراسر ایران اطلاعیه مشترکی در اسفند ماه انتشار دادند و خواهان دستمزدی بالاتر از خط فقر، که بیش از چهار میلیون تومان در ماه است، شدند. متن اطلاعیه را با هم بخوانیم:

«حقوق اولیه یک انسان یا شفاف‌تر به‌گوئیم اولیه‌ترین حقوق هر انسان تأمین مسکن، پوشاک، دارو، بیمه، تأمین تحصیل کودکان و غذا است. در جامعه ما، که شعار عدالت و برابری سرلوحه آن است، هنوز کسانی هستند که از تأمین این نیازهای اولیه خود محروم‌اند. آری کارگرانی که از چتر رفاه، عدم تبعیض و عدالت محرومند....»

این صدای خسته کارگرانی است که خط فقر بر خط رفاه و آسودگی آنها خط بطلان کشیده است. این صدا باید شنیده شود، تا دست‌های از جنس خودمان برای گرفتن دست‌های پینه بسته‌مان دراز شود. کسانی که با ما درد مشترک ندارند، کسانی که خط فقر از پایین نظاره‌گر آنهاست، نمی‌توانند برای ما قانون و دستمزد تعیین کنند. بدون حضور ما، بحث درباره سفره و دستمزد ما واهی و بیهوده است. این فریاد حق‌طلبی ما باید شنیده شود؛ باید دغدغه ما دیگر سفره خالی‌مان نه‌باشد؛ باید فاصله‌ای بین گرفتن دستمزدمان با عرق جبین‌مان نه‌باشد؛ باید این قشر عظیم ستم‌دیده را دید و صدای خسته‌شان را شنید. آمارها، جداول و حتی ارقام، شرم‌سار کارگرانی است که بی حقوق واقع شده‌اند. کوچک‌تر شدن سفره کارگران، اختلاف فاحش دستمزد کارگران با میزان خط فقر، ظلم ناروای کارفرمایان، بیمه کارگران و بازنشستگی کارگران این‌ها همه و همه باعث شده‌اند که این قشر فراتر از قبل به فکر دادخواهی خود باشند. در سال ۱۳۹۶ این سفره کوچک و کوچک‌تر شده کمترین میزان دستمزد در دنیا به کارگران زرخیز کشورمان رسید؛ این درحالی است که مخارج زندگی‌مان در حد کشورهای پیشرفته است. در آمارهای اعلام شده توسط اقتصاددانان در کشورمان، که خط فقر نزدیک به ۴ میلیون تومان است، اما دستمزد کارگران خیلی پایین‌تر از خط فقر است.

امسال فریاد بلند کارگران بیشتر از هر زمان دیگری گوش‌های سنگین مسئولان را به لرزه درآورده است. اعتصاب و اعتراض کارگران باید منجر به زندگی با رفاه بیشتر در این جامعه برای کارگران شود. این درد دل‌های زخم‌دیده‌ایست که دیگر نمی‌خواهند با فقر، بی‌عدالتی، تبعیض و نابرابری دست و پنجه نرم کنند. (به زبان ساده به‌گوئیم اگر سری به آمار و

جداول به‌زنیم میزان خط فقر برای یک خانوار چهار نفره نزدیک به چهار میلیون تومان است. پس ما خواهان دستمزد بالاتر از خط فقر هستیم» •

- ۱- انجمن صنفی کارگران ساختمانی کامیاران
- ۲- انجمن صنفی کارگران ساختمانی مریوان و سروآباد
- ۳- کانون کارگران ساختمانی استان قم
- ۴- انجمن صنفی کارگران ساختمانی بانه
- ۵- انجمن صنفی کارگران ساختمانی دهگلان
- ۶- انجمن صنفی کارگران ساختمانی کرمانشاه
- ۷- انجمن صنفی کارگران ساختمانی شهریار
- ۸- انجمن صنفی کارگران ساختمانی بوکان
- ۹- انجمن صنفی کارگران ساختمانی ابهر و خرم‌دره
- ۱۰- انجمن صنفی کارگران ساختمانی نقده
- ۱۱- انجمن صنفی کارگران ساختمانی آبادان
- ۱۲- انجمن صنفی کارگران ساختمانی هویزه
- ۱۳- انجمن صنفی کارگران ساختمانی گنوند خوزستان
- ۱۴- انجمن صنفی کارگران ساختمانی میاندوآب
- ۱۵- انجمن صنفی کارگران ساختمانی نی‌ریز
- ۱۶- انجمن صنفی کارگران ساختمانی رشت
- ۱۷- انجمن صنفی کارگران ساختمانی شوش دانیال
- ۱۸- انجمن صنفی کارگران ساختمانی سبزوار
- ۱۹- انجمن صنفی کارگران ساختمان بوئین زهرا
- ۲۰- انجمن صنفی کارگران ساختمانی خرم‌دره زنجان
- ۲۱- انجمن صنفی کارگران ساختمانی کامشهر
- ۲۲- انجمن صنفی کارگران ساختمانی خراسان جنوبی
- ۲۳- انجمن صنفی کارگران ساختمانی بندر امام خمینی
- ۲۴- انجمن صنفی کارگران ساختمانی کازرون
- ۲۵- انجمن صنفی کارگران ساختمانی گرمسار
- ۲۶- انجمن صنفی کارگران ساختمانی تبریز
- ۲۷- انجمن صنفی کارگران ساختمانی کرمان
- ۲۸- انجمن صنفی کارگران ساختمانی دورود
- ۲۹- انجمن صنفی کارگران خیابان مریوان و سروآباد
- ۳۰- انجمن صنفی کارگران ساختمانی بندر انزلی
- ۳۱- انجمن صنفی کارگران ساختمانی خنج فارس
- ۳۲- انجمن صنفی کارگران ساختمانی خراسان رضوی
- ۳۳- انجمن صنفی کارگران ساختمانی فیروزآباد فارس
- ۳۴- انجمن صنفی کارگران ساختمانی مراغه
- ۳۵- انجمن کارگران ساختمانی اسلام گیلان
- ۳۶- کانون کارگران ساختمانی خوزستان
- ۳۷- انجمن صنفی کارگران اسفالت کار تهران
- ۳۸- انجمن صنفی کارگران ساختمانی مرودشت
- ۳۹- کانون کارگران ساختمانی خراسان رضوی
- ۴۰- انجمن صنفی کارگران ساختمانی کاشان
- ۴۱- انجمن صنفی کارگران ساختمانی قوچان
- ۴۲- انجمن صنفی کارگران ساختمانی نیشابور
- ۴۳- انجمن صنفی کارگران ساختمانی خروزمیرخان
- ۴۴- انجمن صنفی کارگران ساختمانی شهرستان رضوانشهر گیلان
- ۴۵- انجمن صنفی کارگران ساختمانی پاکدشت
- ۴۶- انجمن صنفی کارگران ساختمانی فردیس البرز
- ۴۷- انجمن صنفی کارگران ساختمانی خلیل‌آباد
- ۴۸- انجمن صنفی کارگران ساختمانی دلچیان
- ۴۹- انجمن صنفی کارگران ساختمانی تربت حیدریه
- ۵۰- انجمن صنفی کارگران ساختمانی اصفهان
- ۵۱- کانون انجمن کارگران ساختمانی خواف
- ۵۲- انجمن صنفی کارگران ساختمانی سرآسیاب ملارد
- ۵۳- انجمن صنفی کارگران ساختمانی



دزدی و فساد و تشدید تضادهای باندهای مافیایی

در حاشیه افشاگری‌های باندهای احمدی نژاد

فساد مانند قانقاریا سراپای رژیم را فراگرفته است. روزنامه «جهان صنعت» با انتشار سندی، که در خصوص یکی از حساب‌های شخصی مکارم شیرازی منتشر شد، نوشت: «سندی در فضای مجازی منتشر شده که نشان می‌دهد موجودی حساب آیت‌الله مکارم شیرازی ۵۹۴ میلیارد تومان است». اگرچه دفتر ایشان امروز داشتن چنین حسابی را تکذیب کرده، اما بررسی این شماره حساب در وبسایت بانک ملی نشان می‌دهد که این شماره بانکی متعلق به آیت‌الله مکارم شیرازی است و به نام ایشان ثبت شده است. چنین است عملکرد کثیف و غارت‌گرانه سران رژیم جمهوری اسلامی که به نام دین و خدا زندگی را بر همه کارگران و زحمتکشان ایران تلخ کرده‌اند. خیزش قهرمانانه دیماه برآمدی بود علیه دزدی و فساد و گرانی و بیکاری و وضعیت اسفناک جاری در کشور، که ارکان نظام «مقدس» را به لرزه درآورد. همانطور که بارها تأکید کرده‌ایم، نفس «ولایت فقیه» و رژیم خودکامه مذهبی سرمنشاء تمام مفساد اقتصادی است.

اخیراً در پی تشدید تضاد جناح احمدی نژاد و برادران لاریجانی، وی در نامه‌ای به رئیس دادگاه تجدیدنظر حمید بقایی، رانت و فساد مالی شماری از نهادها و مقامات عالی‌رتبه کشور را فاش کرد. او در بخش‌هایی از این نامه،

که بطور گسترده‌ای در شبکه‌های مجازی پخش شده است، چنین گفت:

«یک مشت دزد در رأس کشور نشستند و به همه تهمت دزدی می‌زنند، در حالی که در طول تاریخ ۲۵۰۰ ساله ایران، به این تعداد مقامات دزد، کشور نداشته است!! کاش امام زنده بود و می‌دید که چه فساد کثیفی در بر گرفته! کاش امام خمینی امروز بود و می‌شنید که مردم همه یک صدا می‌گویند، که خدا شاه را بیمارزد وای کاش انقلاب نمی‌کردیم!! آقای حداد عادل در ریاست مجلس برای نهادهای خصوصی از بیت‌المال بودجه تصویب می‌کردند و خودشان حداقل دو نهاد خصوصی را در اختیار داشتند و برای آنها از پول نفت بودجه تصویب، اخذ و هزینه می‌کردند. جناب آقای لاریجانی، رئیس مجلس، هم‌زمان مدیر بنیاد شهید مطهری نیز هستند و هر سال برای آن از درآمد کشور و از بیت‌المال بودجه تصویب، اخذ و هزینه می‌کنند. آقایان مصباح یزدی، ری شهری، امامی کاشانی، شاهرودی و جوادی آملی و بسیاری از مقامات ارشد کشور نیز موسسات آموزش عالی و یا فرهنگی دارند که از بیت‌المال و از درآمد نفت بودجه عمومی استفاده می‌کنند. جناب آقای ولایتی دو موسسه خصوصی دارند که هر ساله برای آن میلیاردها تومان از بیت‌المال بودجه اخذ و هزینه می‌کنند. اگر قرار است رسیدگی با این شدت و حدت و خارج از روال قانونی انجام شود، آیا اولی نیست که به ۶۳ حساب بانکی رئیس دستگاه قضا که بدون ذی‌حساب قانونی و بدون نظارت دیوان محاسبات، ماهیانه ده‌ها میلیارد تومان سود دریافتی آن با تشخیص فردی ایشان هزینه می‌شود، رسیدگی کرد؟ یا اینکه به موضوع شرکت «فواد ری» وابسته

در ایران، احمدی نژاد جزئیات این دارایی‌ها را منتشر کرد * فاضل لاریجانی دارای یک فروند هواپیمای ضیافتی از نوع بوئینگ MAX-۷۳۷ با شماره رجیستری EP-RHN می‌باشد که در آشیانه شرکت هما در فرودگاه امام خمینی نگهداری می‌شود .

قیمت این هواپیما ۱۲۵ میلیون دلار هست.

* جواد لاریجانی دارای ۲۰۰ هکتار زمین کشاورزی در ساوه .

۳۱۵ هکتار زمین کشاورزی در همدان

۶۰۰ هکتار زمین کشاورزی در دزفول

۱۹۰ هکتار زمین کشاورزی در کازرون

۲۳ هکتار زمین زیر کشت زعفران در تربت حیدریه می‌باشد

*. علی لاریجانی دارای ۱۵۰ قطعه زمین مسکونی مرغوب

در شهر قم است .

تعداد ۵ شهرک مسکونی در استان گیلان

تعداد ۳۲ واحد مسکونی در جزیره کیش

تعداد ۲ کارخانه در جزیره قشم

احمدی نژاد با چنین افشاگری به وجود «اختاپوس ارتباطی» در نظام اعتراف می‌کند، که «رده‌های پنهانی از فساد» را تشکیل داده است و «با بده بستان‌هایی که دارند»، با هیچ مشکلی - حتی در قوه قضائیه - مواجه نمی‌شوند. چنین اسناد و اطلاعاتی، که احمدی نژاد رو کرده، نشان از مافیایی بودن ماهیت همه جناح‌های ریز و درشت جمهوری اسلامی است. باند احمدی نژاد، یکی از جناح‌های رانده شده مافیایی از حکومت است، که امروز سهم‌اش را می‌خواهد و به سیم آخر زده است.

حزب ما بارها اعلام کرده است و این بار نیز تکرار می‌کند، که در تمام جوامع طبقاتی، حیف و میل مال زحمتکشان همیشه بوده و خواهد بود. نفس این جوامع بر بهره‌کشی انسان از انسان بنا شده است. ولی حتی در چنین جوامع سرمایه‌داری، برای ممانعت از فروپاشی تمامیت نظام و حفظ آن، نظارتی بر حد و مرز دزدی نیز صورت می‌گیرد. اختلاس‌های کلان مالیاتی و انتقال درآمدهای «ناسالم» به جزایری مشهور، به بهشت مالیاتی در این ممالک جرم محسوب می‌شود و دولت‌ها تلاش می‌کنند تا حدود آن را حتی الامکان محدود کنند. اینکه چنین امکانی در ممالک دموکراسی‌های غربی وجود دارد، ناشی از حقوق دموکراتیکی است، که مردم این کشورها در طی قرون گذشته توانسته‌اند به کف آورند و تا حدودی از طریق رسانه‌های گروهی «آزاد» و مطبوعات نسبتاً

به آقای ری شهری که صدها میلیارد تومان خسارت و بدهی آن را ستاد اجرایی پرداخت کرد و یا به موسسه تعاون ناجا و بانک قوامین در نابودی هزاران میلیارد تومان اموال مردم رسیدگی کرد».

* خاندان لاریجانی ۵ ویلای ۱۰۰۰ متری در بهترین منطقه کنزینگتون لندن دارند که اسناد نشان می‌دهند که ۲ ویلای آن توسط خاندان سعودی خریداری شده و به لاریجانی‌ها هدیه داده شده است. ارزش مجموع دو ویلا ۸ میلیون دلار امریکا بوده است .

* یکی دیگر از این ویلاها به نام زهرا لاریجانی، دختر صادق لاریجانی است که به قیمتی حدود ۲ میلیون یورو خریداری شده است .

* یکی دیگر از این ویلاها به نام جواد لاریجانی است که طبق اسناد موجود توسط MI6 (سازمان اطلاعات انگلیس) به ایشان هدیه داده شده است. ارزش این ویلا ۳ میلیون دلار امریکا است .

* اسناد منتشرشده در ویکی لیس

* و آخرین ویلا متعلق به فاضل لاریجانی است، که طبق اسناد، ابتدا توسط بانک زنجانی خریداری شد و پول آن از طریق بانک مرکزی ترکیه حواله شد و سپس به مبلغ ۳،۶ میلیون دلار امریکا به فاضل لاریجانی فروخته شده است .

* احمدی نژاد دیشب وعده افشای اسناد جاسوسی خانواده لاریجانی را داد .

* احمدی نژاد: اگر ظرف ۴۸ ساعت بقایب آزاد نشود و دادگاه علنی تشکیل نشود، اسناد جاسوسی را منتشر می‌کنم.

* احمدی نژاد: بیش از ۵۰۰ سند جاسوسی از خانواده لاریجانی در دست دارم.

* بیش از ۵۰۰۰ متر املاک مختلف در نقاط مختلف لندن متعلق به خانواده لاریجانی است .

* جواد لاریجانی مسئول حفظ اموال لاریجانی‌ها در نقاط مختلف جهان هست .

* رحیم مشایی: پس از انتشار اسناد جاسوسی خاندان لاریجانی توسط احمدی نژاد، بلافاصله اسناد فساد مالی سران ۳ قوه را منتشر می‌کنم .

* تهدید مجدد مشایی:

* با انتشار اسناد مال‌خوری از بیت‌المال بیش از نیمی از مدیران ارشد کشور باید از ایران فرار کنند.

* آنان به زباله‌دان تاریخ ریخته خواهند شد

* افشاگری اموال لاریجانی

* در پی انتشار اخبار مبنی بر دارایی‌های خاندان لاریجانی

حقوق بشر خواهی اتحادیه اروپا

برای اینکه به انسان دوستی و حقوق بشر خواهی اتحادیه اروپا بیشتر پی‌به‌بریم، یعنی شيرفهم بشویم که چرا اروپا (یعنی ناتو) به ضرب زور یوگوسلاوی را تجزیه کرد، تا «صرب‌ها را از دست میلو سوچیج نجات دهد!» و چرا اوکراین را زیر نفوذ خود کشیدند، بد نیست به‌دانیم که:

امروز تنها در صربستان ۱۸۰۰ کارگاه و کارخانه برای فروشگاه‌های بزرگ زنجیره‌ای در اروپا لباس و کفش تولید می‌کنند. محیط کار آنها در زمستان آنچنان سرد است، که کارگران ناچارند با لباس ضخیم و دستکش کار کنند. آنها در زمستان برای نشستن روی نیمکت فلزی محل کارشان مجبورند از کارتون استفاده کنند.

شرکت‌های بزرگ مُد نظیر پرادا، آستور، اسپری، سارا، اسپنسر و... در آنجا تولید می‌کنند. خوب توجه کنیم که حداقل حقوق در صربستان حدود ۲۹۰ یورو است، ولی این شرکت‌ها حداکثر ۲۵۰ یورو در ماه به کارگران می‌پردازند. هرکس هم که عضو سندیکا به‌شود، فوراً اخراج می‌شود.

امروز در اوکراین سطح دستمزد کارگران کارگاه‌های لباس و کفش‌دوزی از کشورهای آسیایی نازل‌تر است. برای نمونه در شهر لمبرگ، واقع در مرز لهستان، برخی از کارگران در کارگاه‌ها و کارخانجات لباس و کفش‌دوزی فقط ۱۸۸ دلار در ماه اجرت دریافت می‌کنند، برخی نیز ۲۵۰ دلار. در صورتی که حداقل دستمزد در این کشور ۷۵۰ دلار تعیین شده است. کارگران در محیط کار در زمستان از سرما و در تابستان از گرما در رنج و عذاب‌اند. اگر در نظر داشته باشیم که کارگران باید ۶ روز در هفته و روزی ۹ تا ۱۰ ساعت کار کنند، دستمزد آنها به حداکثر ۲۵/۱ دلار در ساعت خواهد رسید. درحالی که حداقل دستمزد در آلمان ۸۴/۸ یورو در ساعت است.

یکی از مدیران این کارخانه‌ها می‌گوید: شرکت‌های اروپایی ما را تحت فشار قرار می‌دهند. برای مثال آنها برای تولید مثلاً یک بلوز رکا بی از ۳ دلار بیشتر می‌پردازند، در جایی که همان بلوز را در فروشگاه‌های خود به ۹۹/۶۹ یورو به فروش می‌رسانند و یا برای یک بلوز آستین بلند ۵ یورو می‌پردازند، ولی آن را ۱۰۹ یورو می‌فروشند. این شرایط برای ما تلخ است. برای کل کشور تلخ است. به همین دلیل خیلی از مردم به کشورهای دیگر اروپایی مهاجرت می‌کنند. (بر گرفته از برنامه «فر و نبال ۲۱» ۲۰۱۸/۳/۱۳ zdf)

آزاد و انتخابات نسبتاً آزاد و شرکت بیشتر مردم در تعیین سرنوشت‌شان و حضور آزادانه احزاب سیاسی و فعالیت آنها در درون کشور وضعیتی را ایجاد می‌کند که همیشه یک نظارت عمومی حضور دارد. این نظارت عمومی از امنیت برخوردار است و امنیتش را قوه قضائیه تضمین می‌کند. در این کشورها قوه مجریه حداقل در دوران‌های «صلح خانگی» و دوری بحران‌های عظیم اجتماعی، از آزادی نامحدود، و خودسری، برخوردار نیست. امنیت انسان‌ها تأمین است و این تأمین امنیت جامعه است که در ممالک دموکراسی غربی امکان دزدی‌ها را کاهش داده است و درجه افشاء آن را افزایش می‌دهد. همیشه یک چشم عمومی بر اوضاع نظارت دارد. همه باید در مقابل قانون پاسخگو باشند. در ایران جمهوری اسلامی وضع چنین نیست. ولی فقیه، یعنی مجری قانون الهی به کسی جز خدا پاسخگو نیست. وقتی دزدی صورت می‌گیرد، مسببین تنها باید در محکمه عدل الهی حساب پس دهند. آنها در این جهان وظیفه دارند برای حفظ این نظام دزد به حساب مردم برسند، ولی در جهان آتی به ایزد متعال حساب پس دهند. این تناقض با این بافت حکومتی هرگز حل نخواهد شد. کارگران در اعتصابات و تظاهرات متعدد اخیر به روشنی شعار داده‌اند، که «اگر به اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه!» و این مسببین این امر است که کارگران و مردم زحمتکش ایران به درستی به ماهیت غارت‌گرانه و ارتجاعی زمامداران حاکم پی برده‌اند و دیگر اعتمادی به این ریاکاران ندارند و خود را برای سرنگونی این آدم‌کشان آماده می‌کنند. تنها راه پایان دادن به مفاسد این نظام و کوتاه کردن دست همه جناح‌های دزد و قاتل، سرنگونی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی با دست توانای مردم ایران است.





بازداشت و ضرب و شتم محمد حبیبی را قویاً محکوم می‌کنیم

محمد حبیبی، از اعضای هیأت مدیره کانون صنفی معلمان ایران، روز شنبه، ۱۲ اسفند، در تهران، با خشونت در محل کارش، در مدرسه، بازداشت شد و پس از تفتیش منزلش به محلی نامعلوم انتقال یافت. کانون صنفی معلمان ایران (تهران) نیز در اطلاعیه‌ای، که در این رابطه منتشر کرد، آمده است که:

«محمد حبیبی، عضو هیأت مدیره این کانون، ظهر شنبه توسط نیروهای امنیتی ابتدا با خشونت بسیار در مدرسه بازداشت و به منزل شخصی‌اش منتقل شده و پس از تفتیش خانه‌اش به مکانی نامعلوم انتقال یافته است. خدیجه پاک ضمیر، همسر محمد حبیبی، در مصاحبه با پایگاه اطلاع‌رسانی «انصاف نیوز» تفتیش خانه‌شان توسط هفت مرد را تأیید کرده است. او همچنین گفته است که برای بازداشت محمد حبیبی «نه دلیل بازداشتی ارائه شده و نه کارت شناسایی نشان داده شده» است. خانم پاک ضمیر گفته است: «فقط یک برگه مجوز با سربرگ سپاه به ما نشان دادند و گفتند فردا یا پس‌فردا به شعبه دو دادرسی اوین برویم، برای پیگیری پرونده.» کانون صنفی معلمان تهران طی انتشار اعلامیه‌ای

دوشنبه ۲۱ اسفند ۱۳۹۶ نوشت: «محمد حبیبی با رویکردی کاملاً صنفی در این مجموعه فعالیت نموده و بارها با موضع‌گیری‌ها و یادداشت‌هایش نشان داده است که به جزئی‌ترین مسائل صنفی از وضعیت آموزش دانش‌آموزان تا خشونت در مدارس، آموزش رایگان و همچنین وضعیت معیشت معلمان اهمیت می‌دهد و در جهت بهبود این وضعیت تلاش می‌کند. ما برخورد و بازداشت این فعال صنفی و رسانه‌ای را به معنای برخورد با هرگونه فعالیت متشکل صنفی و مدنی مسالمت‌آمیز می‌دانیم. کانون صنفی معلمان تهران، ادامه‌ی بازداشت این عضو خود را به منزله‌ی مخالفت با هر نوع تلاش صنفی صادقانه و در چارچوب قانون برای بهبود وضعیت معلم و دانش‌آموز تلقی می‌نماید؛ چرا که باور داشته و اعلام می‌داریم که محمد حبیبی در فعالیت‌های چند ساله خود در این مجموعه جز در این مسیر گام برنداشته است.»

معلمان و کارمندان آموزش و پرورش سال‌هاست که خواستار بهبود وضعیت معیشتی خود هستند و بدین منظور بارها دست به تظاهرات خیابانی زده‌اند. فعالان صنفی معلمان همچنین به سیاست نئولیبرالی و خصوصی‌سازی آموزش و پرورش در ایران معترض هستند. محمد حبیبی در مصاحبه‌ای با سایت «حقوق معلم و کارگر» بر لزوم آموزش رایگان در ایران تأکید کرده و «کالایی‌شدن آموزش» در ایران را خلاف قانون اساسی خوانده است. هم‌اکنون اسماعیل عبدی، یکی دیگر از اعضای هیأت مدیره کانون صنفی معلمان تهران، در زندان به سر می‌برد. همچنین محمود بهشتی لنگرودی، معلم و رئیس پیشین کانون صنفی معلمان، با حکم ۱۴ سال زندان در حبس به سر می‌برد.

حزب ما بازداشت محمد حبیبی را به شدت محکوم می‌کند و خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط وی و همه زندانیان سیاسی است. حزب ما تشدید سرکوب‌های سیاسی و تلاش رژیم در پلیسی و امنیتی‌کردن فضای جامعه را نه ناشی از قدرت و ثبات او بلکه از ضعف و ورشکستگی آن میدانند و معتقد است، تنها با مبارزه‌ای متحد و متشکل و یک کارزار وسیع و گسترده است که می‌توان رژیم را به عقب‌راند. رژیمی که پاسخ صنفی کارگران و معلمان و همه اقشار محروم جامعه را با چماق و سرکوب می‌دهد محکوم به سرنگونی است. حزب ما از کلیه اعضا و هواداران می‌خواهد در هر کجایی که هستند به یاری کارگران و مردم تحت ستم ایران بشتابند و از هیچ کوششی دریغ نورزند.



تظاهرات با شکوه چند صد هزار نفری دانش آموزان و جوانان در آمریکا

(گزارشی از رفقای آمریکا)

در این اعتراضات، دانش آموزان با حرارت تمام و با خشم و نفرت از درد و رنج جوانان صحبت میکردند. بعضی از آنها از خشونت وحشتناک پلیسی و غیرپلیسی در مناطق اکثراً سیاه پوست و لاتین نشین سخن گفتند، ولی هیچ کدام از آنها آن را به مسئله نژادی ارتباط ندادند، بلکه برعکس، به درستی بیان کردند که ریشه این خشونت‌ها در نابرابری اجتماعی، بیکاری، وضع وخیم مدارس عمومی، بی دورنمائی و آینده نامعلوم نهفته است، که باید آنها را از بین برد. آنها داستان از دست دادن هم‌کلاسی‌های شان و خشونت خیابانی و به گلوله بستن مردم بی گناه در مکان‌های عمومی را به قتل‌های پلیسی، به خشونت سازمان‌یافته دولتی، و به سیاست‌ها و تبلیغات نظامی‌گری دولتی ارتباط دادند.

تعدد خشونت مسلحانه در مدارس و مکان‌های عمومی و عدم خواست قدرتمندان دولتی در مقابله با آن، دانش آموزان را به این نتیجه‌گیری رسانده است، که مقامات نسبت به جان آنها بی تفاوت‌اند. واقعیت این است که «انجمن ملی سلاح» هر ساله مبلغ هنگفت میلیاردری از فروش اسلحه در جامعه سودهای کلان به جیب می‌زند و سیاستمداران و قانونگذاران را با درصد کوچکی از این سودها می‌خرند، تا نفرت مردم از این وضعیت وحشتناک را مهار کنند و بر آن آب سرد به‌پاشند. به این ترتیب قانونگذاران نظام، سطح محدودیت خرید اسلحه را حتی از سطح محدودیت کسب یک گواهی

روز شنبه، ۲۴ مارس، دانش آموزان و جوانان سراسر آمریکا دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات توسط بازماندگان حادثه تیراندازی ۱۴ فوریه در پارک لند فلوریدا و در واکنش به کشتار دوستان هم‌کلاسی‌شان فراخوان داده شده بود. جوانی ۲۳ ساله با اسلحه نوع ارتشی به دانش آموزان دبیرستان تیراندازی می‌کند و ۱۴ دانش آموز و ۳ دبیر و مربی ورزشی را می‌کشد و ۱۷ نفر دیگر را مجروح میکند.

فراخوان داده شده به سرعت به یک جنبش سراسری، «مارش برای جانمان» - «March For Our Lives»، تبدیل گردید. در شهر واشنگتن، پایتخت آمریکا، بیش از ۸۰۰ هزار نفر در تظاهرات شرکت کردند. این جنبش نو پا بیش از ۸۰۰ شهر کوچک و بزرگ آمریکا را در هم نوردید و میلیون‌ها نفر را به خیابان‌ها کشانید و همبستگی دانش آموزان تعدادی از کشورهای دیگر را به خود جلب نمود.

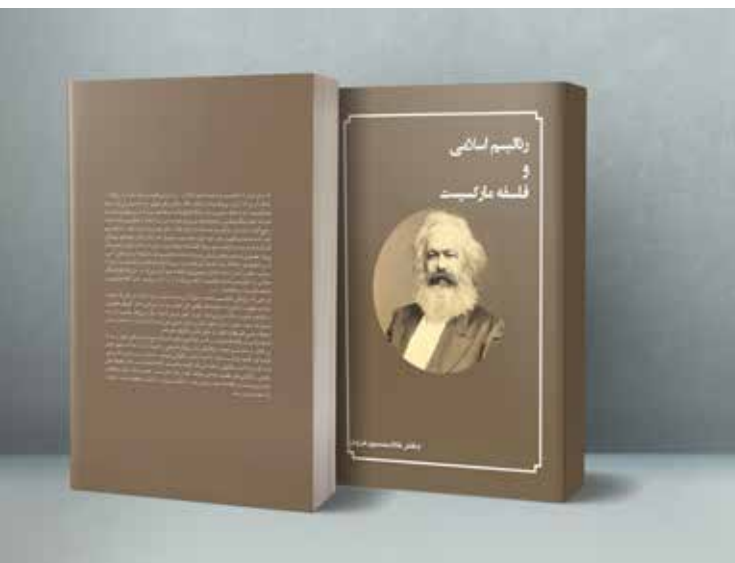
صندوق‌های رأی برای دمکرات‌ها هدایت کند. تلاش حزب دمکرات این است که اعتراض جوانان به آسیب‌های اجتماعی را به سوی بحث بر روی «هویت نژادی». «هویت جنسیتی» به‌کشاند و جنبش نوپای جوانان را از مضمون تهی سازد.

راه پیشروی جنبش دانش آموزان و جوانان، افزایش سطح آگاهی آن، شناخت دقیق‌تر از عملکرد نظام سرمایه‌داری امپریالیستی، پیوند دادن خود با جنبش طبقه کارگر بر علیه بیکاری و برای دستمزد مناسب و بیمه بهداشتی و آموزش رایگان برای خود و فرزندان‌شان، برای بیمه بازنشستگی، بر علیه جنگ و نابرابری در سیستم نهادینه شده استثماری، نفوذزدائی حزب دمکرات از جنبش و تلاش برای پیوند زدن با جنبش‌های دیگر و برای تشکیل یک جنبش مستقل بر علیه هر دو ستون ارتجاع حاکم است.

رانندگی پائین تر نگه‌داشته‌اند. جوانان به درستی به این نتیجه رسیده‌اند که انتظار از این نظام برای حل مشکلات اجتماعی انتظار بیهوده‌ایست. نیویورک تایمز در مقاله‌ای به این موضوع اشاره می‌کند که جوانان بسیاری از نظام سیاسی - اقتصادی موجود ناخشنودند، که برخی از همه پرسشی‌ها از جوانان نشان می‌دهند، که درصد جوانانی، که ترجیح می‌دهند، در یک نظام سوسیالیستی زندگی کنند، رو به افزایش است؛ و بعضی از آمارها حاکی از این هستند که در آمد متوسط جوانان بیش از ۴۰ درصد نسبت به سال ۱۹۹۵ کاهش یافته است؛ و بیش از ۲۰ درصد کودکان و جوانان زیر ۱۸ سال در فقر به سر می‌برند؛ ۴۰ درصد جوانان در خانواده‌های بسیار کم درآمد زندگی می‌کنند.

باید توجه داشت که حرکت‌های خشونت‌آمیز و انتحاری افراد بریده شده از جامعه را نمی‌توان از شرایط کلی جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، جدا نمود. یأس و نومیدی و بی‌آینده‌گی، که نظام منحن سرمایه‌داری در میان جوانان بوجود آورده است، افراد را به سوی چنین حرکت‌هایی سوق میدهد. خشونت‌های فردی در جامعه آمریکا از قهر ارتجاعی، که نظام امپریالیستی بر جامعه و بر ملت‌های دیگر اعمال میکند، جدا نیستند. قهر ارتجاعی امپریالیسم آمریکا بر کشورهای خاورمیانه و هورا کشیدن رسانه‌های وابسته و نیم‌وابسته دولتی برای آن فرهنگ سیاسی جامعه را آلوده کرده است.

شرکت وسیع دانش آموزان و جوانان در تظاهرات نشان از رادیکال شدن نسل جوان دارد، که در طول عمر خود چیزی جز جنگ، سرکوب دولتی، از خود بیگانگی و ناکارائی اجتماعی، نابرابری اجتماعی منتج از نظام سرمایه‌داری ندیده است. در حالی که بسیاری از دانش آموزانی که در این تظاهرات سخنرانی کردند، بر این نکته انگشت گذاشتند که بیکاری و نابرابری اجتماعی و ناامیدی نسل جوان را به تباهی می‌کشاند و اینکه جنبش «مارش برای جانمان» باید بر روی ریشه‌های وجود خشونت کور در جامعه تمرکز دهد. نمایندگان حزب دمکرات «کنترل بر خرید اسلحه» و «تنظیم قوانین بهتر برای شناسائی افرادی که سلاح غیرمجاز دارند» و... را مطرح می‌کنند. حزب دمکرات، که خود یکی از پایه‌های اصلی ایجاد این شرایط وخیم برای جوانان است، و از آن سود می‌برد، بسیار نگران ارتقاء آگاهی جوانان از ریشه‌های خشونت کور و آسیب‌های اجتماعی است و سعی دارد که خشم و نفرت جوانان را از وضع موجود به سوی



امپریالیسم آمریکا، تروریست، جاسوس، ناقض حقوق اساسی انسان‌ها و دشمن شماره یک بشریت است



نئولیبرال‌های وطنی و غربی، مسئول مستقیم خشک‌سالی در ایران

«حقابه مساوی است با حق زندگی برای کشاورزان»

کشاورزان معترض اصفهانی روز پنجشنبه، دوم فروردین ماه ۹۶ در مقابل سازمان آب در اصفهان تجمع اعتراضی برگزار کردند و به مشکل بی‌آبی و عدم حل آن توسط مسئولین حکومتی اعتراض داشتند. این کشاورزان فریاد می‌زدند: «مسئول بی‌لیاقت نمی‌خواهیم. مسئول بی‌لیاقت! خجالت! خجالت! کشاورزان معترض تأکید می‌کردند که فردا دیگر این طوری برخورد نمی‌کنیم و روز بعد هم می‌آییم و ده برابر بیشتر می‌آییم. ما شورش نمی‌کنیم. ما داعشی و اسرائیلی هم نیستیم و تا حق‌مان را نگیریم از اینجا نمی‌رویم!»

سال ۹۶ را در حالی پشت‌سر می‌گذاریم، که سیل توفنده زحمتکشان از هر گوشه ایران عزیزمان علیه دشمنان داخلی و خارجی به پا خاسته‌اند. کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان، ... و کشاورزان. کشاورزان شرق اصفهان، که از یمن وجود منحوس جمهوری اسلامی و برنامه‌های بی‌حساب و کتاب و

احمقانه‌اش در زمینه آب، بیکار شده‌اند و تمام درآمدها را از دست داده‌اند، با اتحاد و یگانگی برای به دست آوردن حقوق حقه خود، به میدان آمدند و با شناخت صحیح از آنچه که بر آنان رفته است، در نماز جمعه پشت به امام جمعه کردند و فریاد برآوردند: «رو به میهن، پشت به دشمن». کشاورزان می‌دانند، که اگر برنامه‌ریزی صحیحی در دست دولت می‌بود، با وجود تغییرات بوجود آمده آب و هوایی نیز، نمی‌بایست روستاهای ایران به خشکسالی دچار می‌شدند. عضو هیئت مدیره نظام صنفی کشاورزی شهرستان اصفهان می‌گوید: «به دلیل خشکی زاینده‌رود و عدم کشت پاییزه ۹۷ - ۹۶، کشاورزان اصفهان در تابستان ۹۷ هیچ کشت، برداشتی و در نهایت درآمدی نخواهند داشت و با توجه به کاهش بارش‌ها در سال زراعی جاری در سرشاخه‌های زاینده‌رود، شاید آبی برای کشت پاییزه ۹۸ - ۹۷ نباشد که این اتفاق موجب حذف درآمد کشاورزان تا تابستان ۹۹ خواهد شد».

حسین محمدرضایی می‌افزاید: «کشاورزان حق‌آبه‌دار اصفهانی باید از بی‌آبی، بیکار بمانند و هیچ درآمدی نداشته باشند و این در حالی است که گلخانه‌داران، صنعت فولاد، کاشی و سرامیک یزد از حق آبه‌های کشاورزان اصفهان برای خود کسب درآمد کنند».

کم‌آبی و خشکسالی برای ایران که در بخش بزرگی از آن، آب و هوای کویری وجود دارد، مسأله تازه‌ای نیست. حتی در سالهای دور و نزدیک نیز گه‌گاهی در قسمتی از ایران و یا در بخش اعظم آن خشک‌سالی نیز داشته‌ایم و حتی نزاع‌های کم و بیش بزرگ و کوچکی بر سر آب در بین روستاها رخ داده است. ولی در

دارد و می‌خواهد همه را به نابودی به‌کشاند، تا خودی‌ها بر روی زمین و آن هم در ایران، صاحب بهشت شوند. جمهوری اسلامی می‌توانست از حفر چاه‌های اضافی جلوگیری کند، می‌توانست مانع سدسازی بدون برنامه‌ریزی شود، تا مشکل خشک‌سالی گریبان کشاورزان را نگیرد، ولی چنین نه‌کرد، زیرا آب‌خواران و زمین‌خواران، همان کارخانه‌خواران هستند همانگونه که به حراج کارخانه‌ها بین خودی‌ها پرداختند و بعد از آن هم کارخانه‌ها را به ورشکستگی کشاندند، تا تجارت مقدس! اسلامی را به جای تولید ملی به‌نشانند و هرگز به بیکاری کارگران و زندگی آن‌ها فکر نه‌کردند، همانگونه، با غصب زمین‌های دولتی و غیردولتی و حفر چاه‌های عمیق و ساخت بی‌رویه صدها سد برای مصارف زمین‌ها، گلخانه‌ها و کارخانه‌های غصبی ملایان و سپاهیان و آقازاده‌ها، به بی‌خانمانی کشاورزان پرداختند و با بی‌توجهی به نتیجه آنچه می‌کنند، موجبات بیکاری و نداشتن درآمد برای کشاورزان نیز گشته‌اند.

در سال گذشته جمعیت بسیاری از کشاورزان به خیل کشاورزان بیکار اضافه گشت و زمینه ترک موطن برایشان بوجود آمد. امسال کشاورزان شرق اصفهان بدون هیچ‌گونه درآمدی به حال خود رها گشتند، تا صاحبان صنایع توان بیشتری برای استثمار کارگران داشته باشند. و رژیم منحوس اسلامی بدون توجه به شرایط ایجاد شده، برای رودخانه‌ها و دریاچه‌های ایران، بدون توجه به خالی شدن سفره‌های آب‌زیرزمینی، بودجه‌ای را برای سال ۹۷ تصویب و به مرحله اجرا گذاشته است، که حتی یک ریال برای احیای دریاچه ارومیه اختصاص نداده است، تا جلوی توفان نمک! گرفته شود؛ حتی یک تومان برای احیای زاینده‌رود، که نفس‌های آخر خود را می‌کشد، در بودجه سال ۹۷ در نظر گرفته نشده است، تا روستاهای اصفهان از سکنه خالی نه‌شوند. ولی در همین بودجه سال آینده برای انواع و اقسام فعالیت‌های بی‌خاصیت ملایان که به نابودی ایران و ایرانی کمر بسته‌اند، بودجه اختصاص داده شده است.

رژیم جمهوری اسلامی نمی‌خواهد و نمی‌تواند مشکلات کشور و زحمتکشانش را حل کند و اگر برنامه‌ای نیز طرح می‌کند، فقط و فقط برای منافع «ژن‌های خوب!» و چپاول مردم ایران به نفع خودی‌هاست. به واقع راهی جز سازمان و تشکیلات و سرنگونی این نظام منحط به دست کارگران و زحمتکشانش تحت رهبری حزب پیشتازشان وجود ندارد. چاره کارگران و زحمتکشانش وحدت و تشکیلات است. •

طی یک قرن گذشته با تسلط امپریالیست‌ها بر منطقه و تکه و پاره کردن منطقه به کشورهای کوچک، به شکلی که نطفه اختلافات قومی و منطقه‌ای مابین آن‌ها به وجود بیاید، بسته‌شدن نطفه مشکل و معضل آب را نیز به موضوعات درگیری بین کشورها موجب گشتند، در حالی که در طی چند هزار سال مردم ساکن خاورمیانه، با بردباری و برنامه‌ریزی بر طبیعت و کم‌آبی مسلط، مشکل را بین خود حل کرده بودند. با ایجاد کشورهای جدید از سال‌های دور، بین کشورهای ترکیه، سوریه، عراق، افغانستان و ایران درگیری و نزاع حقوقی بر سر استفاده از آب بوجود آمد، که در سال‌های اخیر به دلیل تغییرات آب و هوایی در کل جهان و خشکسالی در مناطقی از کره زمین، از جمله، خاورمیانه، موضوع آب به معضلی بزرگ تبدیل شده است. بخشی از این مشکل برخاسته از برنامه‌های درازمدت امپریالیست‌ها علیه کشورهای مستقل و سیاست‌های راهبردی امپریالیست‌های غربی جهت پیشبرد اهداف‌شان است، که با تحریک کشورها به نقض قراردادهای و استفاده اختصاصی از آب و ندادن سهم دیگر کشورها از آب همراه می‌باشد. این سیاست‌های مداخله‌جویانه که حتی آب را از کشورهای مستقل دریغ می‌کنند و جان و زندگی مردم منطقه و مدنیت آن‌ها را هدف می‌گیرند، در کنار تغییرات آب و هوایی، که آن نیز نتیجه مستقیم بی‌توجهی به تأثیر سیاست‌های اقتصادی نئولیبرالی، بر طبیعت و محیط زندگی جامعه بشری است، شرایط خطرناک کنونی را بوجود آورده است. ولی ساده‌اندیشانه است، چنانچه گمان شود تمامی مسئولیت بر گردن امپریالیست‌ها و طبیعت بیابانی فلات ایران است. زیرا هزاران سال است که مردم ساکن فلات ایران با درایت و استفاده از تکنیک‌های ساده و بومی موفق به تهیه، هدایت، تقسیم و استفاده از آب موجود، روزمینی و زیرزمینی شده‌اند و هر چند که همواره با کم‌آبی مواجه بوده‌اند، ولی زندگی انسانی و برادرانه‌ای را در کنار یکدیگر شکل داده‌اند. ولی رژیم ملایان و بازاریان که به هیچ وجه بویی از علم و دانش نبرده‌اند و می‌خواهند با رمل و استرلاب کشور را اداره کند و به هیچ چیزی جز سود بادآورده فکر نمی‌کنند و در این زمینه نیز همانند دیگر امور کشور بدون برنامه و طرح‌های حساب شده، فقط سعی در سوء استفاده از قدرت به کف آورده دارند. نظام مقدس فقط به بی‌خانمان کردن کارگران و یا خالی کردن حساب بانکی اندک بازنشستگان نه‌پرداخته است، فقط به نابودی تولیدات داخلی اقدام نکرده است، این نظام الهی که وعده زندگی در بهشت را می‌دهد، کشاورزی بومی را نیز نابود کرده و می‌کند. ملایان قصد دارند، تا تمامی مردم شهر و روستا را، کارگر و دهقان را، معلم و پرستار را، همه و همه را و از جمله کشاورزان زحمتکش کشورمان را نیز به خاک سیاه به‌نشانند. جمهوری اسلامی با ایران و ایرانی سر جنگ

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی،

به دست مردم ایران



گشت و گذاری در فیسبوک

پاسخ به یک پرسش

پرسش: رفقای عزیز توفان، آیا در سوسیالیسم طبقات محو می‌شوند؟ و مبارزه طبقاتی از بین می‌رود؟ چرا در دوره استالین پایان وجود طبقات اعلام شد؟ آیا فکر نمی‌کنید استالین و حزب کمونیست اتحاد شوروی در اینباره به خطا رفته باشند؟ ممنون می‌شوم به این پرسش من که طرفدار سوسیالیسم هستم و از خدمات شوروی تحت رهبری استالین به خلق و طبقه کارگر روسیه دفاع می‌کنم جواب دهید. سپاس از زحمات شما!

پاسخ: بخش دوم. (بخش نخست در شماره ۱۴۰ توفان الکترونیکی درج شد):

«کنگره هشتم شوراهای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

در فوریه سال ۱۹۳۵ کنگره هفتم شوراهای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تصمیم به تغییر قانون اساسی اتحاد شوروی، که در سال ۱۹۲۴ تصویب شده بود، گرفت. لزوم تغییر قانون اساسی اتحاد شوروی ناشی از آن تحولات بزرگی بود که از سال ۱۹۲۴ یعنی از موقع تصویب نخستین قانون اساسی اتحاد شوروی تا روزهای ما در حیات اتحاد شوروی روی داده بود. طی سال‌های گذشته تناسب قوای طبقاتی در اتحاد جماهیر شوروی تغییر یافته بود: صنایع نوین سوسیالیستی ایجاد گردید، کولاک‌ها از پای درآمدند، رژیم کلخوزی پیروز شد، مالکیت سوسیالیستی بر وسائل تولید در کلیه اقتصاد ملی به عنوان اساس جامعه شوروی استوار

گردید. پیروزی سوسیالیسم امکان داد که گامی فراتر به سوی دمکراسی کردن سیستم انتخاباتی برداشته شود و انتخابات همگانی، برابر و مستقیم، با رأی مخفی برقرار گردد.

کمیسیون ویژه اساسی، تحت ریاست رفیق استالین، قانون اساسی نوین اتحاد شوروی را طرح‌ریزی کرد. این طرح قانونی در معرض مشاوره عموم ملت گذارده شد و این شور پنج ماه و نیم ادامه داشت. در کنگره هشتم فوق‌العاده شوراهای اتحاد جماهیر شوروی مطرح مذاکره قرار گرفت. در نوامبر سال ۱۹۳۶، کنگره هشتم شوراهای اتحاد جماهیر شوروی لایحه قانون اساسی نوین اتحاد جماهیر شوروی را تصویب و یا رد نماید، گرد آمد. رفیق استالین در گزارشی که در کنگره هشتم شوراهای اتحاد شوروی در باره طرح قانون اساسی نوین داد، تغییرات اساسی را، که از زمان تصویب قانون اساسی سال ۱۹۲۴ در کشور شوراهای روی داد، تشریح نمود. قانون اساسی سال ۱۹۲۴ در نخستین دوره «نپ» تدوین شده بود. در آن موقع حکومت شوروی رشد سرمایه‌داری را نیز در ردیف رشد سوسیالیسم مجاز دانسته بود. در آن زمان حساب حکومت شوروی این بود که در جریان مسابقه بین دو سیستم، یعنی سیستم سرمایه‌داری و سوسیالیستی، پیروزی سوسیالیسم را نسبت به سرمایه‌داری در رشته اقتصادی تهیه و تأمین نماید. در آن زمان، مسئله این که «کدام یک غالب خواهد شد»، هنوز حل نشده بود. صنایع که بر روی پایه فنی کهنه و فقیری قرار گرفته بود، حتی به سطح پیش از جنگ هم نمی‌رسید. در آن زمان کشاورزی نیز وضع اسف‌آورتری را طی می‌کرد. سلوخوزها و کلخوزها در اقیانوس بی‌پایان اقتصاد انفرادی روستایی مانند جزائر جدا افتاده‌ای بودند. در آن زمان سخن بر سر از بین برداشتن کولاک‌ها نبود، بلکه فقط می‌بایستی آنها را محدود کرد. در رشته

گردش کالا. قسمت بازرگانی سوسیالیستی تنها قریب ۵۰ درصد را تشکیل می‌داد. ولی در سال ۱۹۳۶ اتحاد شوروی منظره دیگری داشت. اقتصاد اتحاد شوروی در سال ۱۹۳۶ به کلی تغییر یافته بود. در این موقع دیگر عناصر سرمایه‌داری کاملاً از میان برداشته شده بود، - در کلیه رشته‌های اقتصاد ملی، سیستم سوسیالیستی پیروز شده بود. فرآورده‌های صنایع سوسیالیستی هفت برابر از مقدار پیش از جنگ بیشتر شده و صنایع شخصی را کاملاً از میدان به‌دور کرده بود. در اقتصاد روستا، تولید سوسیالیستی، که از حیث عظمت و کار به وسیله ماشین و تجهیزات نوین فنی در جهان نظیر ندارد، به شکل سیستم سلوخوزها و کلخوزها غالب آمده بود. کولاک‌ها در سال ۱۹۳۶ به عنوان یک طبقه خاص، به کلی از میان برداشته شده بودند و اقتصاد انفرادی هم دیگر در اقتصاد کشور هیچ گونه نقش جدی بازی نمی‌کرد، کلیه گردش کالا در دست دولت و کنوپراسیون تمرکز یافت. استثمار فرد از فرد برای همیشه از بین برده شد. مالکیت اجتماعی سوسیالیستی بر وسائل تولید، به عنوان اساس خلل‌ناپذیر رژیم نوین سوسیالیستی، در کلیه رشته‌های اقتصادی ملی برقرار گردید. در جامعه نوین سوسیالیستی، بحران، فقر، بیکاری و خانه‌خرابی برای همیشه از میان رفت. برای تمام اعضای جامعه شوروی شرایط زندگانی مرفه و متمدن فراهم گردید. (تکیه از توفان) رفیق استالین در گزارش خود اظهار داشت که موازی با این تغییرات، ترکیب طبقاتی اهالی اتحاد شوروی هم تغییر یافته است، طبقه ملاکین و بورژوازی بزرگ امپریالیستی سابق در همان دوران جنگ داخلی از میان برداشته شد. طی سال‌های ساختمان سوسیالیستی هم، تمام عناصر استثمارکننده، یعنی سرمایه‌داران، بازرگانان، کولاک‌ها، سفته‌بازان برچیده شدند. تنها بقایای ناچیزی از طبقه استثمارکننده از پای درآمده بر جای مانده است، که از میان‌بردن کامل آن هم از مسائل آینده نزدیک می‌باشد. (تکیه از توفان) زحمتکشان اتحاد شوروی یعنی کارگران و دهقانان و روشنفکران، طی سال‌های ساختمان سوسیالیستی به طور عمیق تغییر شکل یافته‌اند. طبقه کارگر دیگر مانند سرمایه‌داری یک طبقه استثمار شونده‌ای، که فاقد وسائل تولید باشد، نیست. این طبقه اکنون سرمایه‌داری را نابود کرده، وسائل تولید را از دست سرمایه‌داران گرفته و به مالکیت اجتماعی تبدیل نموده است و دیگر پرولتاریا به معنی ویژه سابق نیست. پرولتاریای اتحاد شوروی که زمام حکومت را به دست گرفته است، به طبقه کاملاً نوینی و به آنچنان طبقه کارگری تبدیل گشته است که از استثمار آزاد است و سیستم اقتصادی سرمایه‌داری را نابود و مالکیت سوسیالیستی را بر وسائل تولید برقرار کرده است، یعنی آنچنان طبقه کارگری که تاکنون تاریخ بشر نظیرش را ندیده است. (تکیه از توفان). تغییری هم که در وضع دهقانان

اتحاد شوروی روی داده از این کم عمق‌تر نیست. در ایام پیشین زیاد از بیست ملیون خانوار روستایی و میانه به طور پراکنده و از یکدیگر جدا در قطعه‌های زمین خود مشغول تلاش بودند. تکنیک مورد استفاده آنها عقب‌مانده بود و خود آنها را از طرف ملاکین کولاک‌ها، بازرگانان، سفته‌بازان، رباخواران و مانند آن، استثمار می‌شدند. اکنون در اتحاد جماهیر شوروی دهقانان کاملاً نوینی بوجود آمده‌اند: ملاکین و کولاک‌ها، بازرگانان و رباخواران، که به‌توانند دهقانان را استثمار نمایند، دیگر وجود ندارند. اکثریت هنگفت اقتصاد روستایی داخل کلخوزها گردیده است، که اساس آن مالکیت خصوصی وسایل تولید نبوده، بلکه مالکیت اشتراکی است، که بر پایه کار مشترک نمو کرده است. این دهقانان ترازوین هستند که از هرگونه استثماری آزادند. چنین دهقانانی را نیز تاریخ بشر هنوز به خود ندیده است. روشنفکران اتحاد شوروی نیز تغییر نموده‌اند. توده روشنفکر کاملاً شکل نوینی به خود گرفته است. اکثریت این روشنفکرها از میان کارگران و دهقانان بیرون آمده‌اند و مانند روشنفکران سابق به سرمایه‌داری خدمت نمی‌کنند، بلکه به سوسیالیسم خدمت می‌نمایند. اکنون روشنفکران اعضای متساوی‌الحقوق جامعه سوسیالیستی شده‌اند. این روشنفکران هم دوش با کارگران و دهقانان جامعه نوین یعنی جامعه سوسیالیستی را ایجاد می‌کنند. اینها روشنفکران ترازوین هستند که به خدمت خلق کمر بسته‌اند و از هرگونه استثمار آزادند. تاریخ بشر هنوز چنین روشنفکرانی را بخود ندیده است.

بدین طریق حدود طبقاتی بین زحمتکشان اتحاد شوروی سترده می‌شود، خصوصیات سابق از بین می‌رود، تضادهای اقتصادی و سیاسی بین کارگران، دهقانان و روشنفکران فرومیرزد و محو می‌شود. اساس یگانگی معنوی و سیاسی جامعه فراهم گردیده است. این تغییرات ژرف در زندگانی اتحاد جماهیر شوروی این کامیابی‌های قطعی سوسیالیسم در اتحاد شوروی در قانون اساسی اتحاد شوروی تجسم یافت. طبق قانون اساسی، جامعه شوروی از دو طبقه دوست، یعنی از طبقه کارگر و دهقان تشکیل می‌یابد، که در بین این دو طبقه هنوز فرق طبقاتی باقی است. اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی - دولت سوسیالیستی کارگران و دهقانان است. شالوده سیاسی اتحاد جماهیر شوروی را شوراهای نمایندگان زحمتکشان تشکیل می‌دهند که این شوراهای در نتیجه سرنگون کردن حاکمیت ملاکین و سرمایه‌داران و به دست‌آوردن دیکتاتوری پرولتاریا رشد نموده و مستحکم شده است. تمام حاکمیت در اتحاد شوروی به وسیله شوراهای نمایندگان زحمتکشان در دست زحمتکشان شهر و ده می‌باشد.

عالی‌ترین مقام دولتی اتحاد شوروی شورای عالی اتحاد شوروی است. شورای عالی اتحاد شوروی که از دو مجلس متساوی‌الحقوق،

سوسیالیستی را محترم شمارند، مالکیت اجتماعی سوسیالیستی را محفوظ و مستحکم دارند و از میهن سوسیالیستی خویش دفاع کنند.

«دفاع میهن، وظیفه مقدس هر یک از اتباع اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی است».

اما در خصوص حق اتباع برای مشکل شدن در جامعه‌های مختلف در یکی از مواد قانون اساسی چنین نوشته شده است:

«فعال‌ترین و آگاه‌ترین افراد از بین صفوف طبقه کارگر و سایر قشرهای زحمتکش، در حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، که دسته پیش‌آهنگ زحمتکشان در مبارزه برای استحکام و رشد رژیم سوسیالیستی و عبارت از هسته رهبری تمام سازمان‌های زحمتکشان، اعم از اجتماعی و دولتی میباشد، متحد می‌شوند».

کنگره هشتم شوراهای، قانون اساسی نوین اتحاد شوروی را به اتفاق آراء تصویب و تأیید نمود. بدین طریق کشور شوراهای قانون اساسی نوین، قانون اساسی پیروزی سوسیالیسم و دموکراسی کارگر و دهقان را بدست آورد. به این ترتیب قانون اساسی این واقعیت جهانی و تاریخ را تأیید کرد، که اتحاد شوروی به مرحله نوینی از رشد، به مرحله به پایان‌رساندن ساختمان جامعه سوسیالیستی و منتقل‌گشتن تدریجی به جامعه کمونیستی وارد شده است که در آن جامعه، مبدأ زندگی اجتماعی، باید این اصل کمونیستی باشد؛ «از هر کس مطابق استعدادش به هر کس مطابق احتیاجش» (نقل از «تاریخ مختصر حزب کمونیست اتحاد شوروی»، چاپ توفان). رفیق استالین بزیر کشیدن بورژوازی از قدرت سیاسی و سپس از توانایی‌های اقتصادی را هرگز به عنوان پایان مبارزه طبقاتی جار نمی‌زند. وی معتقد است که طبقات در دوران سوسیالیسم با دوران سرمایه‌داری تفاوت دارند و از جایگاه یکسانی برخوردار نیستند. وضعیت دو دوره تاریخی متفاوت را نمی‌شود با هم قیاس مکانیکی کرد. ولی این به مفهوم پایان مبارزه طبقاتی نیست. مبارزه طبقاتی مرکز ثقل‌اش را به مبارزه فرهنگی و ایدئولوژیک منتقل می‌کند. مبارزه بورژوازی سرنگون شده در عرصه سیاست و اقتصاد تنها حکم خراب‌کاری و اقدامات تروریستی به‌خود خواهد گرفت و نه یک حرکت و یا جنبش طبقاتی. توانایی بورژوازی سرنگون شده در نیروی ایدئولوژیک وی است و باید در این عرصه نیز بر افکار دشمنان طبقاتی غالب آمد، ولی دشمنان خلق را باید سرکوب کرد.

ادامه دارد •

یعنی «شورای اتحاد» و «شورای ملت‌ها» تشکیل می‌شود از طرف اهالی اتحاد شوروی برای ملت چهار سال بر اساس انتخابات همگانی، مستقیم و متساوی، با رأی مخفی انتخاب می‌گردد. انتخابات شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی، مانند انتخابات کلیه شوراهای نمایندگان زحمتکشان همگانی است، بدین معنی که به غیر از اشخاص دیوانه و کسانی که از طرف دادگاه محکوم به محرومیت از حقوق انتخاباتی گردیده‌اند، همه اهالی اتحاد شوروی که به سن ۱۸ سالگی رسیده باشند، بدون رعایت نژاد، ملیت، مذهب، درجه معلومات، سکونت، اصل و نسب اجتماعی، وضع مادی و عملیات گذشته، - حق دارند در انتخابات نمایندگان شرکت نموده و خود نیز انتخاب شوند. انتخاب نمایندگان متساوی است، به این معنی که هر یک از اتباع حق یک رأی دارد و همه اتباع در انتخابات بطور تساوی شرکت مینمایند. انتخابات نمایندگان مستقیم است، به این معنی که انتخاب همه شوراهای نمایندگان زحمتکشان از انتخابات شوراهای زحمتکشان ده و شهر گرفته تا انتخابات شورای عالی اتحاد شوروی، بلاواسطه از طریق انتخابات مستقیم انجام میشود. شورای اتحاد جماهیر شوروی در جلسه عمومی هر دو مجلس هئیت رئیسه شورای عالی و شورای کمیسرهای ملی را انتخاب می‌کند.

شالوده اقتصادی اتحاد جماهیر شوروی عبارت است از سیستم سوسیالیستی اقتصاد و مالکیت سوسیالیستی بر وسائل تولید. در اتحاد شوروی این اصل سوسیالیستی مجری است، «از هر کس مطابق استعدادش و به هر کس مطابق کارش». برای تمام اتباع اتحاد شوروی حق کار، حق استراحت، حق تحصیل، حق تأمین مادی در ایام پیری و نیز در صورت بیماری و از دست دادن استعداد کار، تأمین می‌گردد. در کلیه رشته‌های کار به زن حقوق متساوی با مرد تفویض می‌گردد. تساوی حقوق اهالی اتحاد شوروی با صرف‌نظر از ملیت و نژاد، قانون ثابت و حتمی می‌باشد. همه از آزادی مذهب و آزادی تبلیغات ضد مذهبی بهره‌مند هستند. قانون اساسی از نظر تحکیم جامعه سوسیالیستی - آزادی بیان، قلم، مجالس و میتینگ‌ها، حق متشکل شدن در سازمان‌های اجتماعی، مصونیت شخصی، مصونیت منزل و محرمانه بودن مکاتبه و حق پناه‌یافتن را برای خارجیانی که در اثر دفاع از منافع زحمتکشان یا فعالیت عملی و یا مبارزه در راه آزادی ملی مورد تعقیب قرار گرفته باشند، تضمین می‌کند.

قانون اساسی جدید در عین حال وظائفی بس جدی به عهده هر یک از افراد اتحاد جماهیر شوروی گذارده است، بدین معنی که قوانین را اجرا کنند، انضباط در کار را رعایت نمایند، نسبت به وظائف اجتماع خود صادق باشند، قواعد زندگی و معیشت اجتماعی سوسیالیستی را محترم شمارند، مالکیت اجتماعی

با تسلط رویونیسم بر حزب طبقه کارگر ماهیت پرولتری حزب تغییر میکند



انقلاب بدون ایدئولوژی؟

بدون افکار و عقاید سیاسی، بدون تبلیغات این افکار در میان توده‌های مردم، بدون برنامه روشن، که اشکال و شیوه‌های انجام انقلاب را مشخص می‌سازند، و بالاخره بدون اهداف انقلاب چه وظایفی را باید انجام داد، آری بدون اینها همه چگونه میتوان انقلاب کرد. ایدئولوژی یعنی همین. با حذف ایدئولوژی از انقلاب همه اینها در هوا می‌ماند و انقلابی نمی‌تواند صورت گیرد. از ایدئولوژی دیکتاتوری نمی‌زاید. دیکتاتوری در معنی راستین - و نه در معنی متداول آن - اعمال قدرت حاکمه طبقه است. فرق نمی‌کند این طبقه بورژوازی باشد، یا پرولتاریا.

براستی ایدئولوژی چیست؟

ایدئولوژی مجموعه بینش‌ها، اندیشه‌ها و نظریات سیاسی، اقتصادی، حقوقی، هنری، فلسفی، مذهبی و دیگر عناصر ایده‌ای است، که اولاً بازتاب روابط اجتماعی‌اند؛ ثانیاً مبین وضع و منافع و مقاصد و اهداف طبقات‌اند؛ ثالثاً سمت‌گیری معینی دارند و در راستای حفظ یک نظام اجتماعی معین و با تغییر و تحول آن حرکت می‌کنند و بالاخره برانگیزنده اعمال و رفتار و بطور کلی پراتیک طبقات‌اند.

این تعریف کلی ماهیت و محتوای ایدئولوژی را بیان میدارد که در مورد ایدئولوژی بورژوائی و ایدئولوژی پرولتاریائی به وضوح مشهود است. •

امپریالیسم منشاء جنگ و ویرانی و مصیبت‌های انسانی است
زنده باد همبستگی خلق‌های ایران

پرسش و پاسخ در شبکه تلگرام

پرسش: دوستان توفان چرا شما همچنان از دولت ایدئولوژیک دفاع می‌کنید. همه دولت‌های ایدئولوژیک ناکارآمد هستند و بهتر و درست است که دولت غیرایدئولوژیک داشته باشیم. نظرتان در این رابطه چیست؟ با تشکر.

پاسخ: دوست عزیز، بسیار مسروریم که شما مطالب ما را به دقت می‌خوانید و صمیمانه از حزب ما نظر می‌خواهید. در مورد دولت «بدون ایدئولوژی» یا «دولت غیرایدئولوژیک» زنده‌یاد رفیق دکتر غلامحسین فروتن در اثر ارزشمند خود «رنالیسم اسلامی و فلسفه مارکسیست» پاسخی شایسته بدین پرسش داده است، که نقل آن بسیار آموزنده است. توصیه می‌کنیم این کتاب را مطالعه کنید. موفق باشید.

«هیچ دولتی در هیچ کجای دنیا پیدا نمی‌شود که ایدئولوژی نداشته باشد. معلوم می‌شود کسانی که شعار «جدائی دولت از ایدئولوژی» را سر می‌دهند، دیدی یا دید روشنی از ایدئولوژی ندارند. آخر مگر می‌شود دولت (هر دولتی) از افکار و عقاید سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تهی باشد، برای کار خود برنامه تنظیم نه‌کند؟ مگر می‌شود دولت گرفتار افکار پراکنده، بدون سمت‌گیری، بدون هدف باشد؟ مگر جز اینست که کار دولت یا در راستای منافع و مطامع اقلیت سرمایه‌دار است (دولت بورژوائی) و یا در جهت برآوردن مقاصد و اهداف طبقه کارگر و دیگر توده‌های زحمتکش (دولت سوسیالیستی)؟ در همه حال دولت برنامه دارد، که بر اساس عقاید و افکار او تنظیم می‌شود، برنامه هدف معینی را در پیش خود می‌گذارد، که باید به آن دست یابد. اینها همه جلوه‌های ایدئولوژی است. ایدئولوژی را که برداری، دولت نهادی می‌شود که هیچ کاری از آن ساخته نیست. دولت بدون ایدئولوژی همانقدر در زمره موهومات است که جن و پری.



سفری به سرزمین انقلاب اکتبر

بسته بودند و همچنین تصویری از لنین به چشم میخورد. در پایان پارک که به ولگا ختم می‌شود، دو ستون عظیمی که بر روی یکی از آنها لنین و سوی دیگر آن ستاره سرخ بود، توجه را به خود جلب میکرد، در گذشته جای تصویر استالین بود که رویزیونیستها آنرا به دور انداخته بودند و با ستاره سرخ برای عوامفریبی تعویض کرده بودند. این شیوه جعل تاریخ را به شیوه رویزیونیستی می‌توان بر روی دیوار یکی از ساختمان‌های نزدیک هتل، که تصاویر مارکس، انگلس، لنین و یک جای خالی است، مشاهده کرد. سفری کوتاه بر روی ولگا داشتیم که از آنجا توانستیم شهر را از بیرون مشاهده کنیم، موزه جنگ، منظره استادیوم و پُل عظیمی که از وسط شهر شروع شده به طرف دیگر رودخانه ختم می‌شود، پهنای ولگا سه برابر رود «راین» است.

روز دوم برای دیدن میدان نبرد استالینگراد با مترو عازم آنجا شدیم. پس از طی چند ایستگاه؛ مترو از زیر زمین به روی زمین آمد. در نزدیکی دومین ایستگاه بر روی ساختمان بزرگی که بیشتر شباهت به تالار و تأثر شهر داشت، مجدداً تصاویری از مارکس، انگلس، لنین در کنار یک جای خالی به چشم می‌خورد. این جای خالی جای مارکسیسم - لنینیسم در شوروی رویزیونیستی خروشچف - برژنفی بود. جایی که نماد شرم و واهمه رویزیونیستهاست. پس از رسیدن به مقصد، مجسمه عظیم «مامایوگورکان» که بالای تپه بلندی با راهی طولانی قرار دارد، جلب نظر می‌کرد. در شروع راه، مردم شاخه‌های گل میخک قرمز می‌خریدند. پس از طی مسافتی با پله‌های زیاد که در دو طرف آن مجسمه‌های سمبل جنگ بودند، به میدانی رسیدیم که در دو طرف دیوارهای آن

بمناسبت صدمین سالگرد انقلاب اکتبر تصمیم به مسافرتی گرفته شد، تا از نزدیک شاهد تغییر و تحولات این کشور بزرگ، زادگاه اولین انقلاب سوسیالیستی و پیروزی بر فاشیسم هیتلری باشیم. بدین منظور سفری ۱۰ روزه با الهام از «ده روزی که دنیا را تکان داد»، به شهرهای استالین‌گراد؛ مسکو و لنین‌گراد تدارک دیده شد.

پس از کسب روادید از سفارت روسیه از طریق مسکو عازم استالین‌گراد؛ شدیم و در هتلی در مرکز شهر به نام «ولگوگراد» که نام کنونی استالین‌گراد و نزدیک به رودخانه ولگا است، وارد گشتیم.

روز اول که برای تعویض ارز به بانک مراجعه کردیم تا به بازدید شهر برویم. اولین اثری که نظر ما را جلب کرد، پایه‌های هنری فلزی چهاربر چرخ برق شهر بود، که هنوز با علامت داس و چکش مُزین بودند، در میدان جلوی هتل، مجسمه الکساندر نائوسکی، که در انقلاب ۱۹۱۷ شرکت داشت و «تأثر دراما»ی شهر به چشم می‌خورند. در طرف راست هتل، پارکی با سمبلی از خاطره جانباختگان جنگ، که آتشی دایم در جلوی آن شعله می‌کشد و به شاخه‌های گل سرخ مزین شده بود، دیده می‌شدند. چهار سرباز (دو زن و دو مرد) که با مراسم ویژه‌ای تعویض می‌شدند و با ادای احترام کشیک می‌دادند، مورد توجه مردم و توریست‌ها قرار می‌گرفت. ادامه این پارک به رودخانه ولگا میرسد که دو سوی آن بر روی دیوارها؛ مجسمه‌ها؛ تصاویر و نام جانباختگان جنگ نقش



موسیقی زمان جنگ پخش می‌شد. در پایان این میدان دالانی بود که بر سر در آن طرف چپ، تصویر لنین و طرف راست به سنت رویونیستی یک جای خالی به چشم می‌خورد. کاری را که هیتلر نه‌توانسته بود بکند، باند خروشچف - برژنف - کاسیکین - گورباچف کردند. با ورود به دالان و رسیدن به جایگاه مخصوصی که به یاد جانباختگان جنگ در دست یک انسان در مشعلی آتش شعله می‌کشید، رسیدیم. در پایین آن با دسته گل‌هایی به رنگ پرچم روسیه و نه پرچم سرخ شوروی، با گل میخک‌هایی که مردم نثار آنجا می‌کردند و ما نیز به سهم خود انجام دادیم، تزئین شده بود.

در اینجا دو سرباز به حالت احترام ایستاده بودند و در سردر خروجی این جایگاه، که طبقه بالای آن بود، نیز همچنین دو سرباز دیگر ایستاده بودند. بر روی دیوارهای این جایگاه نام انسان‌های فراوانی، که در جنگ به شهادت رسیده بودند، حک شده است و بر روی سقف آن تصویری از لنین، فرماندهان جنگ از زن و مرد در کنار جای خالی استالین، که بجای آن ستاره نصب شده بود، به چشم می‌خورد. هر انسان کمونیست، انقلابی و دموکراتی از این همه ثقل و کینه‌توزی نسبت به فاتح جنگ کبیر میهنی و نفرت از پیروزی وی بر نازی‌ها و هیتلر احساس شرم می‌کند. پس از خروج از آنجا برای رفتن به بالای تپه تا پای مجسمه، هنوز راه زیادی در پیش بود، که در کنار این راه سنگ مزار فرماندهان و انسان‌های مهمی که در جنگ جانباخته بودند، با نامشان بر دیوارها حک شده بود. ادامه دارد •





www.telegram.me/totoufan				*		کانال تلگرام حزب کار ایران (توفان)
facebook.com/toufan.hezbekar					*	فیسبوک حزب کار ایران (توفان)
twitter.com/toufanhezbkar			*			تویتر حزب کار ایران (توفان)
www.rahetoufan67.blogspot.de	*					وبلاگ توفان قاسمی
www.kanonezi.blogspot.de	*					وبلاگ ظفر سرخ
kargareagah.blogspot.de	*					وبلاگ کارگر آگاه
www.toufan.org		*				تارنمای حزب کار ایران توفان
www.toufan.de		*				تارنمای آزمایشی حزب
POSTBANK						
bank code 20110022						
bank account No.: 25773372600						
IBAN: DE70201100222573372600						
P.O. BOX 1138						
D64526 Mörfelden-Walldorf						
E-Mail: toufan@toufan.org						
Fax: 00496996580346						